

مراقبت از کودکان در تابستان

۲-۳



بدون تردید یکی از وظائف اصلی پدران و مادران مراقبت کردن از فرزندان است. هنر و کمال در داشتن فرزند نمی باشد بلکه هنر و کمال در داشتن فرزندی سالم و برومند است. فرزندی که متخلق باخلاق انسانی بوده از روحیات نساوا برکنار باشد. فرزندی که متکی بخود بوده برای جامعه مفید و سودمند باشد. بدیهی است بر خورداری از چنین کودکی نیازمند به مراقبت و مواظبت کردن اولیاء می باشد. یعنی پدر و مادر در همه مراحل رشد مراقبت های لازم را درباره فرزند مرعی دارند.

بخوبی باین واقعیت ایمان داریم که هنر باغبان تنها در کاشتن نهال نمی باشد بلکه هنرمندی او علاوه بر کاشتن نهال مراقبت و نگهداری از آن می باشد. باغبان علاوه بر وظیفه آب دادن و کود دادن و هرس کردن این است که نهال را سم پاشی کرده او را از همه آفات محفوظ نگه دارد. بنابراین وقتی یک نهال کوچک احتیاج به مراقبت کردن داشته باشد چگونه می توان باور کرد که انسان که خلیفه الله است نیازی به مراقبت و مواظبت کردن ندارد. این مراقبت ها تنها نمی تواند در انحصار سلامت جسمی کودک باشد. اخلاق و رفتار و روحیات فردی و اجتماعی کودک از اهم مسائلی است که در برتو مراقبت های مشفقانه پدران و مادران باید نظام و شکل بیابد. بدیهی است این مراقبت ها همانطور که در دوره تحصیل ضرورت دارد در زمان تعطیلات نیز ضرورت بیشتری را دارا می باشد. پدران و مادران علاقمند باید در تابستان وقتی کودکانشان بمدرسه نمی روند آنان را بیشتر تحت پوشش مراقبتی خود در آورند.

علی علیه السلام در باره کودکان میفرماید: قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا قَبْلَتَهُ قَلْبُ كُودِكْ هَمَانَدُ زَمِينِ بَكْرٍ وَآمَادَهَائِیْ است که هر نوع بذری را پذیرا بوده با همه وجود آن را دریافت می نماید. شاید علت پذیرش و قبول کودک در سن خردسالی از این نظر باشد که او از نظر رشد عقلی هنوز شکل و فرم پیدا نکرده و در صفحات قلبش هنوز چیزی نقش نبسته آماده پذیرش و قبول است، و با کمترین اصطکاک و برخوردی هر چه می بیند و یا هر چه می شنود در عمق جان خود منعکس می سازد. باتوجه باین نکته درمی یابیم کودکان از سایر افراد به مراقبت و نگهداری احتیاج بیشتری دارند و کمترین تساهل و غفلتی ممکن است دشواری هائی در امر تربیت کودک بوجود آورد که بعدها نتوان آن را جبران کرد. پدری در حالی که قطرات اشک از چشمانش سرازیر بود با کمال تاءثر اعتراف می کرد که به همراه خانواده خود در تابستان به یکی از شهرهای ایسران مسافرت کرده در منزل یکی از فامیل های خود وارد شده بودند ولی بی توجهی و بی دقتی در امر مراقبت فرزند هفت ساله خود موجب شده بود که کودکش به رفتاری زشت و بدآموز آشنائی یابد. پدر از عمق جان گریه می کرد که چرا در امر مراقبت کوتاه آمده کودکش را یله و رها گذاشته تا با رفتاری که زشت و ناپسند است آشنائی پیدا کند. آن پدر اقرار می کرد که وقتی کودکش با سایر کودکان بازی کردن می پردازد در اولین فرصت تلاش می کند آنچه را که از دیگران آموخته به آنها انتقال دهد. نکته جالبی که این پدر بآن اشاره می کرد این بود که کودک هفت ساله اش اساساً نمی دانست کاری را که از دیگران

است که هدف از وجود سرپرست پدر و مادری است که در اسر مراقبت از کودک غفلت نکرده بطور مستقیم و یا غیر مستقیم همه رفتارهای مرتب را تحت کنترل خود قرار داده باشد. والا پدران و مادرانی که بر اثر جبر زندگی بکار و تلاش پرداخته اساساً " زمان رسیدگی و مراقبت از کودکان از آنان سلب شده است؛ کودکان چنین خانواده هائی را در حقیقت می توان کودکان بی سرپرست قلمداد کرد زیرا منظور از وجود سرپرست تنها برخورداری از پدر و مادر نیست بلکه پدر و مادری مورد نظر است که فرزندشان خود را تحت پوشش تربیتی خود قرار داده دقیقاً و عمیقاً همه رفتارهای آنان را زیر نظر می گیرند.



آموخته زشت و ناروا می باشد لذا باین آسای ها نمی توانست کودک را از آن رفتار باز دارد زیرا طبق نظرات دانشمندان تربیتی این رفتار در عمق جان و روح کودک حکاکی شده بود.

بنابراین یکی از وظایف اساسی پدران و مادران مراقبت کردن از فرزندان خود می باشد. این امر در فصل تابستان و تعطیل مدارس ضرورت بیشتری را دارا می باشد زیرا کودک در موقع مدرسه رفتن یک نوع اشتغالات معینی را دارا بوده امکانات و فرصت های مخلفی برای او پیش نمی آید، ولی در تابستان کودک بیکار بوده در مواردی هم مسافرت هائی برای خانواده پیش آمده کودک در محیط های مخلف با افراد کوناکونی ارتباط پیدا می کند در حالی که این فرصت ها در موقع مدرسه رفتن برایش پیش نمی آید.

دانشمندان تربیتی وقتی درباره کودکان منحرف اعم از دخیل و سر بسد مطالعه می پرداختند باین واقعیت دست رسی پیدا کردند که فقدان سرپرست در آلودگی و انحراف کودکان تاثر بسزائی داشته است و عبارت دیگر وجود پدر و مادر دقیق و مراقبت یک عامل بسیار قوی در مصونیت کودکان می باشد.

همه می دانیم شاخه های ظریف نازمانی که بانه درخت پیوند و اتصال دارند تسلط و خرمی آنان محفوظ است ولی همین ددر کسب یک شاخه ای از تنه درخت انفصال یافته باشد در اولین فرصت آثار پژمردگی در او ظاهر خواهد شد زیرا از پوشش و اتصال بانه خارج گشته است.

نکته جالبی که نباید از آن غفلت کرد این

است که خانواده‌ها در سطوح مختلفی قرار دارند و هرگز نمیتوان برنامه یکسانی برای همه خانواده‌ها تنظیم کرد بلکه پدران و مادران هستند که باید با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند بنوعی فرزندان خود را در ناپستان سرگرم کاری نمایند و مادر پایان این مقاله به جزئیات آن خواهیم پرداخت.

کار کردن و اشتغال بکار، خود یک عامل تربیتی و یک عامل بازدارنده از فساد و تباهی است.

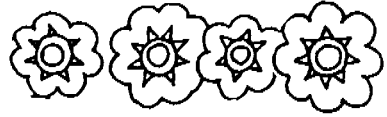
جامعه‌شناسی روستائی این واقعیت را آشکار میسازد که کودکان روستائی بر اساس ضرورت زندگی که ناچار از کارکردن هستند، دختران به مادران خود کمک می‌کنند و پسران موظف هستند که به‌مراه پدران خود در باغ و مزرعه به کار و تلاش بپردازند. هیزم جمع‌کردنها و علف چیدنها

باید اقرار کنیم که کودکان بعضی از خانواده‌های مستمند و دردمند کشور مادر اثر فقدان امکانات زندگی و عدم تغذیه سالم و فقدان فضای زندگی از قبیل اطاق و حیاط بناچار بخارج از خانه پناه برده سرنوشت آینده آنان وابسته به محیطی است که در آن زندگی مینمایند. اینچنین کودکان نمی‌توانند از نظر اخلاقی از درجات خوبی برخوردار باشند بلکه رفتار و کردار آنان همان چیزهایی خواهد بود که در بیرون خانه از دوسنان و بچه‌های کوچک یاد می‌گیرند و عبارت دیگر شخصیت اخلاقی اینگونه کودکان براساس محیط زندگی وابسته به محیط زیستی آنان خواهد بود. متأسفانه باید اقرار کرد که در این ورکشکنی اخلاقی عدای از خانواده‌های مرفه نیز شرکت دارند منتهی در اینگونه از خانواده‌ها عامل انحراف فقر و فاقه نبوده بلکه رفاه خارج از حد اعتدال موجب می‌گردد که پدران و مادران به گردش و تفریح خود پرداخته کودکان خود را به حال خود آزاد بگذارند.

اینگونه کودکان در عین رفاه و آسایش از مراقبت‌های دقیق پدران و مادران محروم مانده در معاشرت و رفت و آمد از آزادی بی‌حد و حصری برخوردارند و همین امر موجب می‌گردد که به تباهی و فساد روی آور شوند. پدران و مادران باید باین نکته اساسی و مهم توجه داشته باشند که یکی از عوامل انحرافی کودکان مخصوصاً " در فصل ناپستان ول و هرز بودن آنان است. می‌توان بیکاری و ول بودن کودکان را ام الفساد لقب داد و این بیکاری در ناپستان برای همه بچه‌ها فراهم می‌آید.

روی این اصل یکی از اساسی‌ترین کارهای پدران و مادران این است که تا حدود ممکن کودکان را از ول بودن نجات دهند. بدیهی





از بین رفته آدمی تابع رفتار و کردار گروه قرار می‌گیرد.

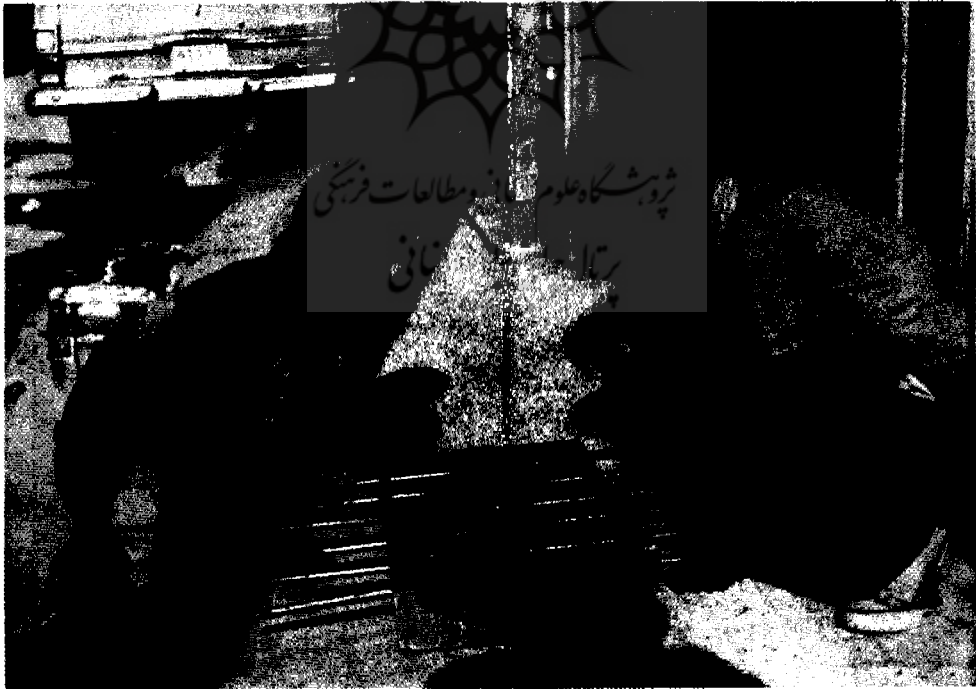
درست است که کودکان معصوم ما بعنوان بازی دربازیهای فوتبال شرکت می‌کنند ولی بطور غیرمستقیم اخلاق و رفتارشان نیز مورد تعرض کودکان غیرصالح قرار گرفته بر اساس تائیرات گروهی از رفتار دیگران الهام گرفته با روحیات ناروا آشنائی پیدا می‌کنند.

۳ - در این گروهها درموردی تناسب سنی رعایت نشده کودکان با افراد بزرگتر از خود در ارتباط خواهند بود. بدون تردید درموردی این نوع ارتباطها زیان بار بوده عواقب خطیری بر آن مترتب می‌گردد که پیش‌گیری از آن بسیار دشوار است و بمصادق پسر نوح بآبدان بنشست و خاندان نبوتش گم شد همه تربیت‌های خانوادگی تحت الشعاع قرار گرفته کودکان بفساد روی آور خواهند شد.

و علوفه فراهم آوردنهای کودکان روستائی را سرگرم کرده از رهگذر بیکاری، فساد و تباهی متوجه‌شان نمی‌گردد و حال آنکه کودکان شهری بر اثر بیکاری در آستانه فساد و تباهی قرار گرفته‌اند و تنها کاری که کودکان شهری بآن می‌پردازند فوتبال بازی کردن است که باعث فساد ما ضرر و زیان‌های فراوانی بهمراه خود دارد که به برخی از آنها اشاره مینمائیم:

۱ - فوتبال بازی در مواردی در خیابانها انجام می‌گردد که خالی از خطرات جانی نبوده موجب بروز حوادث تلخ و ناگواری میگردد.

۲ - در فوتبال بازیها کودکان مجبورند بصورت گروهی و تیمی شرکت کنند و پر واضح است که اراده و اختیار هر فردی در برخورد با گروهها



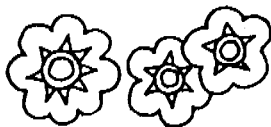
را بدست نمی آوردند .

پستالوزی بزرگترین مربی با سه وجود آوردن کارگاه ها توانست کودکان بی سرپرست را به تعلیم و تربیت راهنمایی کند . در نتیجه بجای دزدی و دشنام دادن و جنگ وجدال همه نیروهای آنان بمصرف کارکردن رسیده با برخورداری از روحیه اعتماد و استقلال آرام آرام مسیر زندگی خود را تغییر دادند .

بنابراین بهترین نوع مراقبت از کودکان در تابستان اینست که بتوعی آنان را با کسار کردن آشنا سازیم . البته مراعات ذوق و سلیقه کودکان در ندوام و استمرار کار مفید و سازنده خواهد بود .

مادران سعی کنند بتدریج کودکان خود را با کار درخانه از قبیل آشپزی و رخت شویی و جاروب کردن خانه ، خیاطی ، گل‌دوزی ابریشم دوزی ، ماشین نویسی ، خط نویسی و مطالعه کتب مفید آشنا سازند . چنانکه پدران می توانند بفرزندان خود کار دستی و نقاشی کردن بیاموزند و آنان را بتدریج با حرفه خود آشنا سازند . درخاتمه فراموش نکنیم امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند :

إِنَّ اللَّهَ لَيُبْعِضُ الْعَبْدَ الْفَارِغَ ، خداوند بنده بیکار را دشمن می دارد . و بازباین نکته توجه داشته باشیم که سالم ترین و پرنشاط ترین چیزها درعالم کار کردن است و نیز کار عامل قوی استواری است که آدمی را از بدیها باز می دارد .



در نتیجه باید توجه داشته باشیم که فوتبال بازی در خارج از خانه و مدرسه با اینکه یک نوع اشتغال است ولی بطور غیرمستقیم زیانهای بیشماری را بهمراه دارد .

ممکن است برخی از پدران و مادران اینطور تصور کنند که بهترین روش این است که پدران و مادران فرزندانشان خود را در تابستان هادرخانه زندانی ساخته از خارج شدن آنان جلوگیری نمایند .

ناگفته پیداست که خود اینکار عواقب وخیمی در بردارد که بطور کلی به برخی از معایب آن اشاره می نمائیم :

کودگانی که درخانه زندانی می شوند جزء کودکانی بشمار می آیند که دارای عقده بوده روحیات اجتماعی در آنان رشد نکرده دچار کمروزی و خجالت می گردند . از همه اینها گذشته ممکن است همین زندانی کردن موجب گردد که بگوشه گیری و انزوا عادت کرده از این رهگذر بروحیات زشت دیگری اعتیاد یابند . در نتیجه معلوم نیست که زبان زندانی کردن ها کمتر از آزاد و رهاساختن کودکان باشد بلکه در مواردی بیشتر است .

در برخی از مواسسات شبانه روزی مربیان وقتی دریافته اند که جنگ وجدال و دزدی و تقلب حتی فرار و عصیان میان مددجویان رواج یافته تنها عاملی که توانست آنان را از همه مفاسد اخلاقی باز داشته تا حدود زیادی از روحیات زشت باز دارد ، کارکردن در کارگاه ها بود . مددجویان برای بدست آوردن امکانات مالی اوقات خود را صرف کار می کردند و دیگر فرصت و مجال برای جنگ و جدال با دیگران